

بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی علیه السلام

زهرا یوسفیان^۱

چکیده

زنان مسلمان در صدر اسلام تلاش داشتند در عرصه‌های اجتماعی حضور یابند و تاریخ اسلام نیز نمونه‌هایی از این حضور تأثیرگذار را ثبت کرده است. با توجه به حساسیت حضور زنان در جامعه امروز و مسئولیت‌پذیری آنان و شناخت محدوده این حضور اجتماعی، این نوشتار درصدد بررسی حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های گوناگون هم‌چون صحنه‌های سیاسی - نظامی و علمی - فرهنگی در دوران حکومت امام علی علیه السلام در سال‌های سی و پنج تا چهل هجری است. در این نوشتار از منابع تاریخی، روایی و ادبی استفاده و روش تحقیق، تاریخی - تحلیلی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و نرم افزارهای تاریخی، تدوین شده است. اثبات حضور تأثیرگذار اجتماعی زنان در عرصه‌های یاد شده در عصر حکومت امام علی علیه السلام، از دستاوردهای این تحقیق می‌باشد.

کلید واژگان: جامعه، حکومت امام علی علیه السلام، حضور اجتماعی زنان، حضور سیاسی زنان، حضور فرهنگی زنان

مقدمه

همراهی و حضور در جامعه به افراد می‌آموزد چگونه توانایی خود را در جهت انجام وظایف اجتماعی توسعه داده و وظایف خود را به خوبی انجام دهد. همراه شدن با افراد جامعه در عرصه‌های اجتماعی دارای ابعاد مختلف می‌باشد که می‌توان حضور در صحنه‌های گوناگونی هم‌چون عرصه سیاسی، علمی، فرهنگی و... نام برد. زنان نیز در جوامع مختلف در برهه‌هایی از زمان در عرصه‌های اجتماعی حضور تأثیرگذار خود را به نمایش گذاشته‌اند. زنان مسلمان نیز در صدر اسلام تلاش داشتند در عرصه‌های اجتماعی حضور پیدا کنند و پیامبر ﷺ به کمک وحی کوشید تا نقش و جایگاه الهی - انسانی زنان را تثبیت کرده و با سیره خود تا حدی زنان را به این باور رساند که آنان نیز دارای حقوق انسانی هستند و می‌توانند با پیشرفت و تعالی خود به این جایگاه برسند. با توجه به حضور فعال زنان امروز جامعه اسلامی ایران، بجاست پیشینه این حضور در عرصه‌های مختلف در دوره‌های رهبران معصوم علیهم‌السلام به خصوص زمان حکومت امام علی علیه‌السلام مورد بررسی قرار گیرد تا با حقیقت این حضور و مسئولیت‌پذیری زنان بهتر آشنا شده و محدوده این حضور اجتماعی بیشتر تبیین گردد. هدف از این نوشته آگاهی نسبت به گونه‌های حضور اجتماعی زنان در عصر حاکمیت امام علی علیه‌السلام (حضور مثبت یا منفی)، و آگاهی بخشی و الگودهی به زنان مسلمان در زمینه چارچوب حضور اجتماعی می‌باشد. در مورد پیشینه تحقیق می‌توان به کتاب «نقش زنان شیعی در عصر حکومت امام علی علیه‌السلام» تألیف سید احمد فاضلی بیارجمندی اشاره کرد که چندان به نقش‌های گوناگون زنان در این عصر پرداخته نشده و واژه شیعه نیز می‌بایست بر اساس اصطلاحات آن زمان مفهوم‌شناسی می‌شد. هم‌چنین مقاله «نقش زنان در ماجرای صفین»، نگاشته معصومه ربیآن، در شماره ۶ و ۷ مجله بانوان شیعه، سال دوم و سوم است که نویسنده فقط به معرفی هفت تن از زنانی که در این جنگ حضور داشته و به تحریک و تشویق مردانی که در پیکار شرکت داشته‌اند، پرداخته است. به نظر می‌رسد زنان در عصر حکومت امام علی علیه‌السلام در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضور داشته و ممنوعیتی برای آنان نبوده است. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی - تحلیلی است و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای تاریخی، تدوین و آماده شده است. این نوشته، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش که زنان در این دوره در چه عرصه‌هایی حضور داشته‌اند و فعالیت‌های آنان را در دو عرصه نظامی - سیاسی و فرهنگی - علمی در عصر حکومت علوی تبیین می‌کند.

در آغاز مناسب است اشاره کوتاهی به جایگاه زن در دو عصر جاهلی و عرصه‌های حضور زنان در عصر نبوی و نیز خلفای سه‌گانه پس از ایشان داشته باشیم تا بتوان اهمیت حضور زنان را در عصر حکومت علوی را بهتر شناخت.

نگاهی به جایگاه زن در عصر جاهلی

زن در جامعه عصر جاهلی نه تنها از ارزش‌های انسانی و حقوق اجتماعی در زندگی محروم بود؛ بلکه در برخی قبایل وجود دختر، مایه سرافکندگی به شمار می‌رفت. از جمله ظلم‌هایی که در عصر جاهلی در مورد زنان اعمال می‌شد، زنده به گورکردن دختران در آن عصر بود؛ چرا که دختر نمی‌توانست هم‌چون مرد، در میدان جنگ حضور داشته و از قبیله خود دفاع کند و ممکن بود در درگیری‌ها به دست دشمنان افتاده و از آنان فرزند به دنیا آید و مایه ننگ برای قبیله گردد؛ لذا بنا بر صریح آیات قرآن (نحل، ۵۸ و ۵۹؛ زخرف، ۱۷) (مبرد، ج ۲، ص ۶۵-۶۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۹۱۶م، ج ۱۳، ص ۱۷۴؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۷) دست به کشتن او می‌زدند. این عادت زشت در میان قبایل تمیم، قیس، هذیل، کنده، بکر و قریش رواج داشت. البته این رسم در میان همه اعراب عمومیت نداشت و برخی از شخصیت‌های بزرگ، با این کار مخالفت می‌کردند. برای مثال عبدالمطلب (آلوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۷)، زیدبن عمرو بن نفیل (محاملی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۸۲) و صعصعة بن ناجیه که دختران را به هنگام زنده به گور کردن پدرانیشان از آنان گرفته و نگه‌داری می‌کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۴۶۹؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۰). نمونه دیگر ظلم به زنان، نداشتن جایگاه انسانی و به ارث بردن او به عنوان یک مال در میان مردم یثرب بود وقتی مردی فوت می‌کرد، پسرش می‌توانست زن پدر را به راحتی تصاحب می‌کند. به گفته مفسران هنگامی که شخصی به نام ابوقیس بن اسلت از دنیا رفت، پسرش تصمیم گرفت طبق رسوم جاهلیت زن او را به ارث ببرد. کار او باعث شد تا زن نزد پیامبر ﷺ رفته و شکایت کند. پس از آن بود که آیه (نساء: ۲۲) نازل شد و آنان را از این عمل نهی کرد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۰۵). اگرچه در همان دوران تعدادی از زنان می‌کوشیدند تا با حضور خود در عرصه‌های ارزشی جامعه (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۷؛ طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۰؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۷) یا عرصه‌های ضد ارزشی، جایگاه خود را به اثبات رسانند ولی با توجه به دیدگاه غالب مطرح شده، نمی‌توانستند آن‌گونه که باید، در جامعه حضور داشته باشند.

عرصه های حضور زنان در عصر نبوی

با بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله ارزش های جدیدی بر جامعه حجاز حاکم گشت و تغییراتی بنیادی در فرهنگ، اخلاق، آداب و سنن پدید آمد. یکی از ارزشمندترین پدیده های کمال خواهی، مسئله علم و گسترش آموزش بود که در سطح جامعه اسلامی آن روز بدون هیچ تمایزی فراگیر شد. ارزش نهادن پیامبر صلی الله علیه و آله به امرتعلیم به گونه ای بود که شفاء، به حفصه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله خواندن و نوشتن آموخت و این آموزش به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۶۷؛ بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۴۵۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۶۹؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۳۰۱-۳۰۳). به گواهی متون معتبر تاریخی، آموزش در اسلام تنها منحصر به مردان نبود و رسول خدا صلی الله علیه و آله روز خاصی را به تعلیم زنان اختصاص داده بود (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴). نمونه هایی از حضور زنان در عرصه های گوناگون در عصر نبوی را می توان چنین برشمرد: پیاده کردن روش صحیح زندگی، آموزش و راهنمایی فاطمه علیها السلام (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۳)، دفاع او از ولایت و رهبری امام علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله که گویای اندیشه عمیق، علم ودانایی حضرت زهرا علیها السلام نمونه های پررنگی از حضور زنان، در عرصه های علمی و فرهنگی بود (ابن طیفور، بی تا، ص ۲۰-۱۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۹۶۱ق، ج ۱۶، ص ۲۵۲-۲۴۹، ۲۱۱). هم چنین ام سلمه، یکی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله که روایات زیادی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است (ابن مبارک، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵؛ صنعانی، بی تا، ج ۱ ص ۱۶۳، ج ۲ ص ۱۵۹؛ حمیدی، ص ۱۳۸؛ ابن ابی الدنیا، بی تا، ص ۱۱۱؛ ابن ابی عاصم، بی تا، ص ۱۰۰؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۱ ص ۱۰۵؛ ج ۲، ص ۸۲؛ ج ۳، ص ۵۱؛ ج ۴ ص ۱۵۴؛ عقیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳؛ ج ۳، ص ۱۲۵، بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۴۷؛ ج ۴، ص ۴)، گفت و گوی اسماء دختر یزید بن سکن با رسول خدا صلی الله علیه و آله (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷۸۸-۱۷۸۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲ ص ۱۵۳) و زینب عطاره و پرسش او درباره عظمت الهی (صدوق، ۱۳۸۷ق، ص ۲۷۶)، شاهدی دیگر از حضور زنان در این عرصه است. فعالیت اقتصادی زینب دختر جحش، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۸۶-۸۷؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۵۱) و رائطه همسر عبدالله بن مسعود از یاران محدث پیامبر صلی الله علیه و آله و زنی فعال در عرصه اقتصاد خانواده، نمونه هایی بر حضور زنان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در عرصه اقتصادی بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۲۵) در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز می توان به جریان هجرت و بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله، شرکت در بیعت عقبه دوم اشاره کرد که از شعور سیاسی و حضور آنان در مسایل مهم جامعه آن دوره حکایت دارد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۰۶-۳۰۳). هم چنین زنانی چون دره (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ص ۸،

ص ۴۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۲۷ و ۱۲۸) و ام کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴؛ و...) که با مسلمان شدن دست به هجرت زدند. فتح مکه و امان دهی دوزن (ام هانی - ام حکیم) حضور تأثیرگذار زنان را در عرصه سیاسی به خوبی نمایان می‌کند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۱۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۹۳۵). حضور زنان در میادین جنگ نیز که به صورت‌های گوناگونی هم‌چون: آب‌رسانی و امداد مجروحان، حمل زخمی‌شدگان (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۲ و ۶۸۵؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹ و ۹۱؛ طبری، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۳۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۳۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۴۷؛ ابن اثیر، ج ۶، ص ۲۵۹) و نیز امداد رسانی حضرت فاطمه علیها السلام در جنگ احد و جلوگیری از خون‌ریزی زخم رسول خدا صلی الله علیه و آله، نمونه‌هایی از حضور آنان در عرصه نظامی است (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۰). حماسه رزمی و دفاع نسیبه در جنگ احد، باعث شد که جایگاه ویژه‌ای نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیدا کند. (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۰ - ۲۶۷)

حضور زنان در عصر خلفای سه‌گانه

با به دست گرفتن خلافت توسط ابوبکر بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، شیوه‌های حضور زنان در عرصه‌های مختلف آن‌گونه که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت می‌گرفت، دنبال نشد؛ برای مثال حضور زنان در مسئله بیعت که نوعی حضور سیاسی اجتماعی در آن زمان بود. در عرصه‌های فرهنگی - علمی نیز به صورت حضوری کم‌رنگ در تاریخ ثبت شده است؛ برای مثال می‌توان حضور زنان در میدان جنگ را نام برد که مورخین در چند مورد گزارش کرده‌اند. (دینوری، ۱۳۱۷، ص ۱۵۵ و ۱۵۶، طبری، بی‌تا(الف)، ج ۵، ص ۱۷۲۱، ۱۷۲۴، ۱۷۴۷، ج ۴، ص ۱۵۴۲؛ ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ص ۷۲، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۴۵؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۷۱ و ۶۷۲) یا حضور دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله با اعتراض بر عملکرد خلیفه در جامعه آن روز مشاهده کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱؛ طبری، ص ۱۱۸-۱۰۹؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۳۱-۲۸؛ دینوری، ۱۳۷۴، ص ۲۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۱، ج ۶، ص ۱۳، ۱۶، ص ۲۱۱، ۲۴۹، ۲۵۲؛ ابن‌طیفور، بی‌تا، ص ۲۰-۱۲؛ اربلی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۰۹) در زمان خلیفه دوم نیز حضور گمرنگ زنان هم‌چنان ادامه یافت و حضور آنان در جامعه به جز موارد خاص و در برخی میادین جنگ (طبری، بی‌تا(الف)، ج ۵، ص ۱۷۵۷-۱۷۵۹)، در کتاب‌های تاریخی گزارش نشده است. این روند تا آن‌جا ادامه داشت که به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اجازه رفتن به حج داده نمی‌شد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۳). در زمان خلیفه سوم، حضور کم‌رنگ زنان، در عرصه‌ها ادامه یافت تا زمانی که برخی اقدامات عثمان

باعث نارضایتی در میان مردم شد که از جمله اعتراض کنندگان به سیاست های وی، عایشه بود. (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۴۳ و ۴۴؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۳۷۵ و ۳۷۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۱ و ۷۲)

حضور زنان در دوران حکومت امام علی علیه السلام

با مطالعه در گزارشات تاریخی این نکته به خوبی نمایان می شود که روش و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد حضور اجتماعی زنان در زمان خلافت خلفای سه گانه ادامه پیدا نکرد و با به حکومت رسیدن امام علی علیه السلام و تلاش امام برای احیای سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله در ابعاد گوناگون، حضور اجتماعی زنان بیشتر شد. عرصه های این حضور را می توان به سیاسی - نظامی و علمی - فرهنگی تقسیم کرد:

۱. حضور زنان در عرصه سیاسی و نظامی

یکی از مهم ترین عرصه های اجتماعی، عرصه سیاسی است که با ورود به آن می توان ضمن دستیابی به قدرت، به اهداف خود نیز رسید. فعالان سیاسی نمی توانند به مقاصد خود برسند، مگر این که هنر استفاده از امور سیاسی جامعه را داشته باشند. مردان و برخی از زنان در این میدان به رقابت پرداخته و می کوشند تا با سلطه بر امور سیاسی، فضای سیاسی جامعه را به نفع خود یا مقاصد رهبری جامعه رقم زنند. از جمله عرصه های حضور زنان در عصر حکومت امام علی علیه السلام صحنه سیاسی بود که به پشتیبانی از جایگاه رهبری امام، یا در مقابله با امام و به دو گونه حضور در میدان نظامی و غیر نظامی ظهور و بروز پیدا کرد. اینک مصادیقی از این حضور مورد بررسی قرار می گیرد:

ام سلمه

ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از جمله زنانی بود که هم در عصر نبوی صلی الله علیه و آله و هم در زمان امام علی علیه السلام حضور خوبی را در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نمایش گذاشت. بیان روایت حدیث منزلت به منظور تبیین جایگاه بر حق رهبری امام علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله (ابن حیان، ۱۴۱۴، ص ۱۵) و همراهی امام علی علیه السلام با قرآن (حسنی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۵) از زبان وی را می توان شاهی بر حضور او در صحنه سیاسی دانست. ام سلمه پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله به خاندان نبوت عشق می ورزید و همواره از حریم آنان دفاع

می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ابن ابی العاصم، بی تا، ص ۶۳؛ طبرانی، بی تا (ب)، ج ۲۳، ص ۲۴۹؛ صدوق، ۱۴۰۵، ص ۲۷۱؛ الطبرسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۴۳). صاحب المستدرک حدیثی از ام سلمه با این مضمون که سب علی (ع) همانند سب بر رسول خدا (ص) است، نقل می‌کند که گویای پشتیبانی او از حاکمیت امام علی (ع) و مخالفت با کسانی است که به دشمنی با آن حضرت برخاسته‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۸۲؛ نسایی، بی تا، ص ۹۹؛ الحمیری، بی تا، ص ۲۸؛ ابن عقده الکوفی، بی تا، ص ۳۳؛ نیشابوری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۲۱). این نکته نیز قابل توجه است که دیدگاه زنان پیامبر (ص) به عنوان ام‌المؤمنین در میان مردم، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و آنان می‌توانستند معارف زیادی را از رسول خدا (ص) بازگو نموده و به نسل بعد منتقل کنند. برای مثال می‌توان به سخنان ام سلمه در مکه قبل از فتنه جمل اشاره کرد که گفت: «... ای مردم! شما را به تقوای الهی دعوت می‌کنم. از علی (ع) تبعیت کنید. به خدا قسم، در زمان شما کسی بهتر از او نمی‌شناسم...» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۲۴). نمونه دیگری از فعالیت سیاسی ام سلمه، فرستادن نامه برای امام علی (ع) است که در آن به امام این‌گونه خطاب می‌کند: «اما بعد، بدانند امیرالمؤمنین علی (ع) که طلحه و زبیر و عایشه در مکه جمعیتی ساخته‌اند... و اگر نه آن که خدای تعالی زنان پیامبر (ص) را نهی فرموده است از خانه بیرون آیند و رسول خدای (ص) به این مسئله اهتمام داشت، بیرون می‌آمدم... عمر بن اَبی سلمه را که فرزند من است به خدمت تو فرستادم... نامه را به پسرش عمر داد و او را به خدمت امام فرستاد. حضرت علی (ع) از حضور عمر بن اَبی سلمه یکی از عالمان و راویان احادیث زمان پیامبر (ص) خوشحال شد» (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۳۹۰؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۳۹۹ و ۴۱۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳۰؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۳). این نامه گویای توجه ام سلمه به مسائل جامعه و درک سیاسی او از حوادث اجتماع بود. نمونه دیگر حضور وی را در عرصه سیاسی - اجتماعی می‌توان در پشتیبانی از رهبری جامعه در جواب نامه عایشه دید: «عایشه! تو دروازه‌ای هستی میان رسول خدا (ص) و امت او، قرآن کریم کارهای تو را محدود کرده است... جواب رسول خدا (ص) را چه خواهی داد، در حالی که بر پشت شتری نشسته‌ای... خداوند بینای توست... حجاب را برای خود هم چون دژ محکمی قرار ده تا زمانی که رسول خدا (ص) را دیدار کنی... و السلام» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۸۳-۷۹). گزارش ابن قتیبه به گونه‌ای است که از جایگاه ویژه ام سلمه حتی در میان همسران رسول خدا (ص) حکایت دارد: «... عایشه گفت: ای ام سلمه، قرب تو نزد محمد مصطفی (ص) معلوم است... هدایایی که به جهت پیغمبر (ص) می‌آوردند به خانه تو فرستاده و نصیب هر یک از ما



از خانه تو تقسیم می‌شد... عزیمت آن دارم که از جهت اصلاح ذات البین بدان جانب روم، تو را باید که با من موافقت نمایی... ام سلمه گفت: من تعجب می‌کنم که تو خون عثمان طلب می‌کنی. مگر نه تو مردمان را برکشتن او تحریک می‌نمودی، ... اکنون این چه کاری است که پیش گرفته و بر علی بن ابی طالب علیه السلام که پسر عم رسول خداست، بیرون می‌آیی... عایشه گفت: علی را چه رسد به اینکه بر ما مسلط شود...» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۷۳). ابن اعثم گفت وگویی دو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را مفصل تر در کتاب خود گزارش می‌کند که حکایتگر حضور عبدالله بن زبیر در این دیدار است: «اگر تو نشنیده‌ای، خاله تو این جا حاضر است از او بپرس تا با تو بگوید که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق علی علیه السلام نگفته است که علی خلیفه من است... از خدای تعالی بترس و از آن کلمه‌ای که مصطفی صلی الله علیه و آله خبر داده، حذر کن... ای عایشه! زنه‌ار که آن زن نباشی که سگان حوآب در روی او بانگ کنند... عایشه آزرده خاطر از نزد ام سلمه بیرون شد...» (ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۴۱۰-۳۹۹). نصایح ام سلمه به عایشه و یادآوری سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام، جلوه دیگری از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام در سراسر وجود این بانوی بزرگ است (مفید، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۳). حساسیت ام سلمه تا جایی بود که نه تنها از امام علی علیه السلام پشتیبانی می‌کرد؛ بلکه از شیعیان و پیروان امام نیز دفاع می‌کرد: «... در مورد شیعه علی علیه السلام چه می‌گویند در حالی که شیعه علی علیه السلام در روز قیامت رستگار و نجات یافته‌اند» (بلذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۰۵). طبرانی در کتاب خود، ۵۱۸ تن از راویانی که از ام سلمه درباره موارد مختلف از احکام فقهی، احوال رسول خدا صلی الله علیه و آله و طهارت اهل بیت علیهم السلام روایت کرده‌اند، ذکر می‌کند. (طبرانی، بی تا، ج ۲۳، ص ۴۲۱-۲۴۸)

عایشه

عایشه از جمله زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است که در صحنه‌های سیاسی- نظامی در دوران حکومت امام علی علیه السلام حضور داشته و «همان آغاز حاکمیت امام، به مخالفت با آن حضرت برخاست و در شمار یکی از برپاکنندگان اصلی جنگ جمل قرار گرفت. وقتی خبر بیعت مردم با امام علی علیه السلام به عایشه رسید، وی خارج از مدینه بود. به عایشه گفتند: «عثمان کشته شد و مردم با علی علیه السلام بیعت کردند». عایشه گفت: «... به خدا سوگند، عثمان مظلومانه کشته شد. من خواهان خون او هستم». عبید در پاسخ عایشه گفت: «تو اولین کسی بودی که عثمان را سرزنش می‌کردی تا جایی که در مورد او گفتی: بکشید نعل را که گناهکار است». عایشه گفت: «به خدا سوگند، من

گفته‌ام... پایان سخن من از آغاز آن بهتر است» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۷۹). پافشاری عایشه بر ادامه مخالفت با رهبری امام علی علیه السلام در جواب ام سلمه، به حضور فعال او در عرصه سیاسی- اجتماعی اشاره دارد: «چه نیکو نصیحتی، راه من آن نیست که تو گمان کرده‌ای... اگر برکاری توانا باشم انجام می‌دهم و اگر برایم مقدور باشد، از ثروت خود در این راه می‌گذارم. و السلام» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۷۹). یعقوبی جواب نامه ام سلمه به عایشه را سرزنش آمیز نقل می‌کند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۸؛ ابن طیفور، بی تا، ص ۷۹ و ۸۰). ابن قتیبه لحن گفتگوی ام سلمه با عایشه را پرخاشگرانه‌تر گزارش می‌کند (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۸۳). «حضور عایشه قبل از شروع جنگ جمل تا آن حد تأثیرگذار بود که در نزاع‌های لفظی میان طلحه و زبیر و فرزندان آنان برای امامت نماز در راه، عایشه را به پا در میانی میان آنان می‌کشاند: «میان طلحه و زبیر نزاعی در گرفت... تا وقت نماز از دست رفت و مردم فریاد زدند: نماز، نماز. پس عایشه گفت: روزی محمد بن طلحه و روزی عبدالله بن زبیر نماز بخوانند...» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۲۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۸۷-۸۲). طبری حل اختلاف میان طلحه و زبیر را توسط عایشه و بهره‌برداری مروان از این دوگانگی پیش آمده بین آنان را این گونه نقل می‌کند: «هنگامی که مروان از مکه برون شد، اذان گفت. آنگاه بیامد و پیش طلحه و زبیر ایستاد و گفت: به کدامتان به عنوان خلیفه سلام کنم و به نام وی اذان گویم؟ عبد الله بن زبیر گفت: به ابو عبدالله. محمد بن طلحه گفت: به ابو محمد. عایشه کس پیش مروان فرستاد و گفت: چه می‌کنی؟ می‌خواهی در کار ما تفرقه افکنی؟ خواه‌زاده من پیشوای نماز شود؟» (طبری، بی تا، ج ۶، ص ۲۳۶۲) این نکته قابل توجه است که بعد از نبرد جمل، عایشه از حضور در این جنگ خود را سرزنش می‌کرد: «...گاهی می‌گفت: کاش پس از آن که به بصره می‌شدم، بیست سال پیش مرده بودم...» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۸۱، ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ طبری، بی تا، ج ۶، ص ۲۴۷۸؛ ابن اثیر، ۱۳۱۰، ج ۱، ص ۱۰). عبدالرحمن بن عتاب بن اسید پشیمانی عایشه را چنین نقل می‌کند: «اگر در خانه می‌نشستم و به جنگ جمل نمی‌رفتم برای من بهتر از این بود که از رسول خدا ﷺ ده پسر به خوبی و عقل عبدالرحمن بن حارث می‌داشتم». (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۴)

میمونه

میمونه آخرین همسر پیامبر ﷺ بود که رسول خدا ﷺ در سال هفتم در عمره القضا در منطقه سرف (مکانی در شش مایلی مکه) با او ازدواج کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱۸؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص



۷۳۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۰ و ۱۳۵). او به یکی از خواهران مؤمنه در تاریخ صدر اسلام مشهور شد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۷۳۸). نقش هدایتی او برای فردی که نمی‌توانست تشخیص دهد در فتنه جمل حق با کدام طرف است، قابل توجه بوده و گویای حضور همسران رسول خدا ﷺ در عرصه سیاسی دوران حکومت امام علی علیه السلام است: «شخصی در مدینه به در خانه میمونه رفت. میمونه از او پرسید: از کجا می‌آیی؟ گفت: از کوفه. گفت از کدام قبیله‌ای؟ جواب داد: از قبیله‌ی بنی عامر هستم. میمونه سؤال کرد: برای چه آمدی؟ گفت: چون فتنه مردم را دیدم، ترسیدم گمراه شوم. میمونه گفت: آیا با علی علیه السلام بیعت کرده‌ای؟ گفت: آری. همسر پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: برگرد و از صف علی علیه السلام جدا مشو، به خدا قسم هر که با او باشد گمراه نخواهد شد و این جمله را سه بار تکرار کرد» (طبرانی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۱۰). با نگاهی دقیق به این گزارش تاریخی می‌توان به دو نکته اساسی و مهم که میمونه به آن اشاره کرده، دست پیدا کرد: اولاً میمونه از آن شخص می‌پرسد با علی بیعت کرده‌ای؟ چرا که بیعت از مباحث مهم سیاسی بوده که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از رحلت ایشان بر آن بسیار تأکید می‌شد؛ به گونه‌ای که اگر کسی با خلیفه بیعت می‌کرد مسئولیتی بر دوش او قرار می‌گرفت و شخص باید پاسخگوی این تعهد اجتماعی می‌بود و ثانیاً با چه کسی باید بیعت کرد، گوشزد کردن یک مطلب مهم که تداعی حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود که علی علیه السلام با حق است. حق با علی علیه السلام است، از صف علی جدا نشو یعنی هر که با علی باشد، گمراه نخواهد شد. این گفتگو نشان‌دهنده آشنایی میمونه با وضعیت و بحران‌های سیاسی جامعه‌اش بوده و این‌که چگونه کسانی را که در تشخیص حق از باطل دچار مشکل شده‌اند، به درستی به مسیر و انتخاب حق، هدایت و راهنمایی کرده و آنان را از تردید و ابهام دور می‌ساخت.

اسماء بنت عمیس

اسماء بنت عمیس از جمله زنانی است که در عصر نبوی صلی الله علیه و آله در عرصه فرهنگی (ابن عقده الکوفی، بی‌تا، ص ۴۰) با نقل احادیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله در آگاهی بخشی به مردم و در عرصه سیاسی با هجرت به حبشه با همراهی همسرش جعفر بن ابی طالب (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۷) در تغییر معادلات سیاسی آن زمان تأثیرگذار بود. گفتگوی او با عمر در ارتباط با هجرت و جواب خواستن از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدنی است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۱۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۹۲۳؛ ابن اثیر،

گزارش‌ها او را نیز در شمار خواهران مؤمنه قرار داده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۶۱). اسماء یکی از زنانی است که با نقل روایت (الذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۷) و شأن نزول آیه ﴿أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ (ابن کرامه، ۱۴۲۰، ص ۶۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۰) از حاکمیت حضرت علی علیه السلام دفاع می‌کرد. شنیدن خبر شهادت فرزندش، محمد بن ابی بکر و صبرکردن او بر این مصیبت با رفتن به مسجد، توجه مورخین را به خود جلب کرده است. (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۱۵۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۲۳۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۴)

ام الفضل دختر حارث

ام الفضل دختر حارث، دومین زن مسلمان یا سومین زنی بود که بعد از حضرت خدیجه علیها السلام اسلام آورد. وی از دیگر زنانی است که در دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله با پیشگامی در تشخیص حق و جسارت در اقدام پذیرش آن، بر خلاف جریان غالب زمان حرکت کرده و در عصر حکومت امام علی علیه السلام در حمایت از ولایت و رهبری امام در عرصه سیاسی، حضور خود را به نمایش گذارد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۱۷؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴۶؛ طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۶۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۹۷). زمانی که طلحه و زبیر به همراهی عایشه به سوی بصره حرکت کردند، ام الفضل احساس خطر کرده و نامه‌ای با این محتوا برای امام علی علیه السلام فرستاد: «... بدانند امیرالمؤمنین که طلحه، زبیر و عایشه عزیمت بصره دارند و مردم را بر جنگ با تو تشویق کرده ... خدای تعالی یار تو است و تو بر حقی ... و السلام». وی نامه را به همراه صد دینار به شخصی به نام ظفر داده و به او گفت: «تلاش کن تا هر چه زودتر به خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برسی و این نامه بدو رسانی» (طبری، بی‌تا (الف)، ج ۶، ص ۲۳۵۸؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ۴۱۰ و ۴۱۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۸). نامه ام الفضل به امام علی علیه السلام حکایتگر شعور بالای سیاسی وی با دنبال کردن حوادث سیاسی جامعه و تلاش برای رساندن هر چه سریع‌تر نامه به امام، بیانگر دغدغه فکری و نگرانی او در باب حاکمیت امام و خدشه‌دار شدن موقعیت رهبری مسلمانان است.

ام الخیر الباریه

ام الخیر دختر حریش بن سراقه از دیگر زنانی است که در حکومت امام علی علیه السلام در عرصه سیاسی - نظامی حضور فعالی داشت و به همین علت بعد از شهادت امام، به دربار معاویه در شام

فرا خوانده شد (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۳۲ - ۲۷). ام‌الخیر از جمله افرادی است که قلبش پر از محبت اهل بیت علیهم‌السلام بود. حضور او در پیکار صفین و تشویق سپاه امام با سرودن شعرهای حماسی، نشان از زبان فصیح این زن دارد: «با روی گرداندن از جبهه امام علی علیه‌السلام به کجا می‌روید. از امیرالمؤمنین فرار می‌کنید یا از جنگ...». ام‌الخیر با اشعار خود یادآور بیعتی بود که مردم برگردن داشتند و باید تا پای جان بر این بیعت بمانند. مناجات او با خدا در اوج درگیری دو سپاه، نشان از نگرانی این زن شجاع دارد: «خداوندا! صبر و شکیبایی کم شده... ای پروردگارا! زمام دل‌ها به دست توست...» و در ادامه با مخاطب قرار دادن سپاه حاضر در میدان، چنین می‌سراید: «از اسلام روی گردانید و یا از حق برگشته‌اید... شما به کجا می‌روید... به سوی امام عادل، وصی با وفا و صدیق اکبر بشتابید که این جنگ بر اساس کینه‌های بدر، احد و جاهلیت است...» (ابن طیفور، بی‌تا، ص ۳۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۵۵؛ الحسنی، ۱۳۷۱، ص ۲۸). این بینش یک زن آگاه است که به مردان در نبرد هشدار می‌دهد پشت کردن به جبهه علی علیه‌السلام، مساوی با از اسلام برگشتن و روی برگردن از حق است. دفاع ام‌الخیر و برشمردن فضایل امام علی علیه‌السلام در برابر معاویه حاکی از رشد آگاهی زنان در عصر حکومت امام علی علیه‌السلام دارد.

ام‌سنان

ام‌سنان از دیگر زنانی است که در زمان حکومت امام علی علیه‌السلام در صحنه‌های سیاسی - نظامی حاضر بود و پس از شهادت امام، هم‌چنان در برابر معاویه با شجاعت ایستاد و با کمال شهامت، یادآور عدالت حکومت امام علی علیه‌السلام در کاخ معاویه شد (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۲۶ - ۲۳) «ام‌سنان از مدینه به شام به سرای معاویه رفت تا از کارگزار او به خاطر کوتاهی و ظلمش شکایت کند. پس از ورود به کاخ، معاویه او را پیش خود فرا خواند. ام‌سنان سلام گفت و بنشست. معاویه گفت: ای ام‌سنان! به چه مهم رنجه شده‌ای و از مدینه به شام آمده‌ای؟ مرا آن سخن‌های زشت و دشنام‌های ناخوش که روز جنگ صفین اهل شام را می‌دادی و تحریض‌هایی که قوم خود را بر جنگ ما می‌کردی فراموش نشده... ام‌سنان با دلیری تمام گفت: بله، این بیت‌ها را من گفته‌ام و اگر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام زنده بود، ما هرگز تو را نمی‌دیدیم؛ چه من او را از جان خویشتن دوست‌تر داشته‌ام و نمی‌توان که صفات علی علیه‌السلام را از هزار یکی بیان نمود. یکی از صفات‌های علی علیه‌السلام این بود که در حق امت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مهربان بود... من نوبتی از برای انجام کاری نزد او رفتم، بر

مصلی ایستاده بود. چون مرا دید، نماز را شروع نکرد و گفت: ای ام‌سنان! حاجت داری؟ گفتم: بله یا ابوالحسن! سپس حاجت خود بیان کردم که عامل صدقات زور می‌کند، امیرالمؤمنین بر سر مصلی دوات و قلم و کاغذ طلب نمود و تهدید نامه‌ای بدو نوشت و آن نامه را سر به مهر به من داد و عذر خواست و بعد روی به سوی آسمان کرد و گفت: بار خدایا! تو بر من گواهی که من آن عامل را به ظلم نفرستادم و بر ظلم او راضی نبوده‌ام. پس خرجی راه به من عنایت فرمود. من به نزد آن عامل آمدم و نامه را دادم. برخواند و همان ساعت از سر ظلم باز آمد و مرا خوشدل ساخت...» (ابن‌اعثم، ۱۳۷۲ق، ص ۵۵۴-۵۴۰؛ ابن‌ابی‌طیفور، بی‌تا، ص ۶۳ و ۶۴) توصیه ام‌سنان به معاویه در این دیدار مبنی بر عدم استفاده از افراد چابلوس که اطراف او بودند، بیانگر اندیشه سیاسی او در باب حاکمیت جامعه است: «اما در خدمت تو از این نوع خدمتکارانند که به هر وقت در غیبت و حضور از این کلمات می‌گویند و دل تو را با ما بد می‌کنند...» (ابن‌عبدربه، ۱۴۱۲، ص ۳۰۵-۳۴۹؛ ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ص ۵۵۳-۵۵۰). توجه ام‌سنان در مسائل سیاسی جامعه و درخواست برکناری کارگزار معاویه در مدینه، شاهدی دیگر بر دنبال کردن مسائل جاری اجتماع توسط یک زن مسلمان تربیت شده دوران حاکمیت امام علی علیه‌السلام و درک و شعور سیاسی او می‌باشد؛ به گونه‌ای که در برابر حاکم می‌ایستد و به جرئت از او تغییر کارگزارش را می‌طلبد و در برابر معاویه از علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و ویژگی‌های انسانی او به ویژه عدالتش سخن به میان می‌آورد و تصویری از حکومت علی علیه‌السلام و توجه حضرت به افراد جامعه و کارگزارانش و اهمیتی که برای این مهم قائل بوده به معاویه و افراد چابلوسی که در خدمت او بودند، ارائه می‌دهد و آنگاه آن را با حاکمیت معاویه و ظلمی که به او شده و مقایسه می‌کند و تلویحاً به تحقیر او می‌پردازد.

زرقاء

زرقاء بنت عدی، نمونه دیگری از زنان تربیت شده و حاضر در صحنه‌های سیاسی - نظامی دوران حکومت امام علی علیه‌السلام بود که در جنگ صفین، مردان قبیله خود (همدان) را بر ادامه نبرد علیه سپاه معاویه تشویق می‌کرد؛ به گونه‌ای که سخنان او همچون پتکی سنگین بر گوش معاویه فرود آمد و باعث شد بعد از به حکومت رسیدن، او را به شام فرا خواند (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۶۶-۶۳). وقتی معاویه وی را سرزنش کرد، زرقاء آن را سعادت بزرگ برشمرد: «... ای معاویه! کدام خوشبختی از این بزرگتر که من با علی مرتضی علیه‌السلام در آن چه انجام داده، شریک باشم و از ثواب

در آن سرای مرا نصیبی باشد» محبت و ابراز علاقه زرقاء از رهبری امام علی علیه السلام تا آنجا بود که معاویه را به تعجب واداشت: «معاویه گفت: مرا شگفت می آید که بعد از وفات علی، وفای شما را در محبت او به زیادت می بینم. زرقاء گفت: سوگند به خدای که هنوز دوستی ما را با علی علیه السلام اندازه ندانسته ای» (ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۵۷۵؛ ابن ابی طیفور، بی تا، ص ۳۴ - ۳۲)

دارمیه حجونیه

دارمیه حجونیه، زنی با فصاحت و قدرت احتجاج علیه مخالفین (ابن عبدربه، ۱۴۱۲، ص ۳۵۳ - ۳۵۲؛ ابن طیفور، بی تا، ص ۷۳ - ۷۲) و از جمله زنانی بود که در فراخوانی معاویه به شام، اعتقاد خود را نسبت به ولایت امام علی علیه السلام ثابت کرد و با کمال شهامت به دفاع از رهبری حضرت علی علیه السلام برخاست. وقتی معاویه او را به دربار خود فرا خواند، از او پرسید به چه دلیل علی را دوست داری و با من به دشمنی می پردازم؟ دارمیه در جواب گفت: «علی را به سبب عدلش نسبت به رعیت دوست دارم و این که بیت المال را مساوی تقسیم می نمود. تو را دشمن می دارم؛ زیرا با علی جنگ کردی در امری که او بر تو برتر بود و چیزی را طلب کردی که در آن حقی نداشتی...». در ادامه به دیگر صفات خوب امام و ویژگی های حکومتداری و رهبری او اشاره می کند: «علی را دوست دارم... او دوستدار مساکین بود و اهل علم را دوست می داشت...» و رفتار ناپسند حاکمان نامشروع را این گونه بیان می کند: «تو را دشمن می دارم؛ زیرا خون مردم را به ناحق ریختی و به ستم قضاوت کردی. به خدا قسم وی را دیدم که قدرتی که تو را فریفته است، او را فریب نداد...» (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۴۰ - ۴۳؛ ابن دمشقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۴۲؛ سید محسن امین، بی تا، ج ۶، ص ۲۶۴) شاید این مسئله به ذهن خواننده خطور کند که این گزارش چگونه می تواند حضور دارمیه را در صحنه سیاسی در عصر امام علیه السلام ثابت کند. در پاسخ باید گفت اگر فردی در متن مسایل سیاسی جامعه قرار نداشته نباشد و عملکرد زمامدار جامعه اسلامی را دنبال نکند و از رویدادهای اجتماعی آگاهی کاملی نداشته باشد، چگونه می تواند در برابر حاکمی همچون معاویه بایستد و بگوید یک حاکم اسلامی نباید از روی هوی و هوس و به ستم حکم کند و خون مردم را به ناحق بریزد و قدرت و ریاست او را بفریبد.

زنان محافظ

نمونه دیگر تاریخی که می‌توان شاهدی بر حضور زنان در عرصه سیاسی - نظامی دانست، همراهی تعدادی از زنان بصره برای بردن عایشه به مدینه بود که به دستور امام علی علیه السلام بعد از پایان جنگ جمل صورت گرفت: «علی چهل زن را به همراه عایشه فرستاد و به آنان فرمان داده بود که عمامه بر سر کنند و بر خود شمشیر ببندند و نگذارند کسی از کار آنان آگاه گردد. گویند عایشه در راه چنین می‌گفت: حساب علی بن ابی طالب با خداست، او مردانی را به همراه من فرستاده است. وقتی که به مدینه رسیدند و زنان عمامه خود را از سر برداشتند. عایشه با دیدن آنان گفت: خداوند بهشت را نصیب علی بن ابی طالب گرداند» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸۷ و ۱۸۱؛ یعقوبی عقیده دارد امام هفتاد زن به همراه عایشه فرستاد). این گزارش بیانگر آن است که زنانی که در این سفر به همراه عایشه بودند، از زنان معمولی نبوده‌اند و باید دوره‌های ویژه‌ای برای سوارکاری و چگونگی استفاده از ادوات جنگی آن زمان می‌دیدند؛ چرا که این سفر یک سفر عادی نبود و زنان به قدری نقش خود را در لباس مردان محافظ مسلح خوب ایفا کردند که در برخی گزارش‌ها عایشه تا نیمه راه (ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۴۴۰-۴۴۱) و در برخی نقل‌های تاریخی، تا رسیدن به مدینه این نکته را متوجه نشده بود که محافظان او همه زن هستند و برای پیشگیری از برخی تعرضات بدخواهان، در نقش مرد مسئولیت خود را انجام می‌دهند.

لیلی الغفاریه

لیلی غفاریه، یکی از زنان شجاع و صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله، از جمله زنان حاضر در صحنه‌های سیاسی - نظامی در حکومت امام علی علیه السلام بود که کوشید تا جایگاه و مقام رهبری امام را بر دیگر افراد یادآور شده و این مقام را تثبیت کند: «من در جنگ‌ها به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت می‌کردم و به مداوی مجروحان جنگ می‌پرداختم و زمانی که علی علیه السلام به طرف بصره حرکت کرد، با او همراه شدم. وقتی به عایشه برخوردم، به او گفتم: آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فضیلت علی چیزی شنیده‌ای؟ عایشه گفت: بلی، علی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد من بود و علی میان ما نشست (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۰۷). به او گفتم جایی وسیع‌تر از این جا پیدا نکردی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عایشه! برادرم را برایم آزاد بگذار. او اولین کسی است که ایمان آورد» (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۴۴). این مرد از محبوب‌ترین و بهترین مردان در نزد من است» (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج



۴، ص ۴۰۳). نمونه‌های دیگری از حضور فعال زنان همچون عکرشه بنت الاطش (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۳۹؛ ابن طیفور، بی‌تا، ص ۷۲ و ۷۳؛ ابن عبد ربه، ۱۴۱۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۲)، ام‌البراء بنت صفوان (ضبی ۱۴۰۳، ص ۴۴-۴۶) و... در عرصه سیاسی - نظامی در زمان حکومت امام علی علیه السلام را می‌توان مشاهده کرد که بعد از به قدرت رسیدن معاویه به فراخوانی آنان به شام منجر شد. گفت‌وگوی این زنان، نوع مجادلات، جرئت و قدرت انتقاد از سویی و ملاحظه‌ها و احتیاط‌های معاویه نسبت به ایشان، حضور اجتماعی - سیاسی زنان و مشارکت آنان را در امور مهم می‌رساند. (آئینه‌وند، ۱۳۸۳، ص ۹)

ب. حضور زنان در عرصه علمی - فرهنگی

یکی از عرصه‌های حضور زنان در عصر علوی، عرصه فرهنگ و علم و دانش بود که برخی از آنان نهایت تلاش خود را در این راستا به‌کار گرفتند.

فرهنگ مجموعه‌ای از آداب، سنن، هنجارها و ناهنجاری‌ها و رفتارها اجتماعی است که شامل مواردی هم‌چون تبیین مبانی دینی، فراگیری علم، اشعار و سروده‌ها، بیان احادیث و... می‌شود. با مطالعه در گزارشات تاریخی دوران حکومت امام علی علیه السلام حضور زنان در عرصه فرهنگی به صورت سرودن شعر، نقل روایت و حدیث ظهور و بروز پیدا کرد.

حضرت زینب علیه السلام

یکی از زنان حاضر در عرصه‌های مختلف اجتماعی در حکومت امام علی علیه السلام، حضرت زینب علیه السلام بود که یکی از راویان حدیث به شمار می‌آمد. حضرت زینب علیه السلام از مادر، پدر، برادر، ام‌سلمه و ام‌هانی روایت نقل می‌کرد. آن حضرت در حالی به عنوان یکی از راویان خطبه فدکیه به شمار می‌آمده است که در سن ۵ یا ۶ سالگی مضامین بلند سخنان مادرش حضرت زهرا علیه السلام را برای دیگران نقل کرده است. ابن عباس سخنان حضرت فاطمه علیه السلام را در مورد فدک، از قول حضرت زینب علیه السلام با عنوان عقیلتنا (بزرگ و گرامی قوم ما) (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۶؛ احمدبن فارس زکریا، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۲). زینب بنت علی علیه السلام نقل کرده است. (ابوالفرج، ۱۳۸۵، ص ۶۰؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۶۷؛ خوارزمی، ۱۴۱۴، ص ۳۵۶). ابن حجر می‌نویسد: «زینب مجسمه شجاعت و شهامت بود. روحی قوی و همتی بلند، منطقی پایدار و قدرت بیانی فوق‌العاده داشت. دلیل و برهان او حیرت مورخان را برانگیخته است». فصاحت و بلاغت او در خطبه‌ها و سخنان او نمودار بود

(ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۶). حضور او در جریان عاشورا و خواندن خطبه بعد از واقعه کربلا، به ویژه جرئت و جسارت او در برابر یزید هنگامی که مرد شامی فاطمه علیها السلام، دختر امام حسین علیه السلام را به عنوان کنیز طلب کرد، بلندی عقل و قوت شجاعتش دلالت دارد. (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۲۹؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۳۲) ویژگی‌های فردی و رفتارهای شخصی حضرت زینب علیها السلام در فعالیت‌های اجتماعی، بیانگر آن است که آن حضرت در مسیر زندگی، بهترین اندیشه و گفتار و رفتار را در فرایند هدایت انسان پروری و تاریخ‌سازی انتخاب کرد. تأثیر کلام او در مخاطبین در بازگشت به کوفه، بعد از واقعه عاشورا به گونه‌ای بود که همه را جذب و وادار به سکوت کرده و تحسین همگان را برانگیخت (طبرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ج ۵، ۱۲۱؛ مفید، بی‌تا، ص ۳۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۹۲) هنر حضرت زینب علیها السلام در تدابیرش، آگاه ساختن افراد جاهل، غیرتمند کردن عناصر آگاه ولی بی‌تفاوت، به انزوا کشاندن و در انفعال قراردادن مخالفان آنها بود. آن حضرت در خطابه‌های خود با بی‌اعتنایی به دشمن و حقیر شمردن او و مقابله با رواج اندیشه جبرگرایی - که از زمان معاویه شروع شده و با برنامه هماهنگ یزید و عبیدالله ادامه یافت، تا جایی که فاجعه کشته شدن پاک‌ترین انسان‌ها را به خواست خدا پیوند زده و این‌گونه خود را در برابر مردم تبرئه می‌کردند - مبارزه کرد (رک: صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۲۹؛ مفید، بی‌تا، ص ۳۲۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۸۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۹۳). چنین بود که حضرت زینب علیها السلام در کنار امام سجاد علیه السلام با خردمندی تمام، حادثه کربلا را در جریان واقعیت‌ها و حقیقت‌ها به حرکت انداخت و آن را یک پدیده‌ای منحصر به فرد در طول تاریخ بشریت قرار داد.

سروده‌ها و اشعار، به ویژه شعرهای حماسی، بخش بزرگی از فرهنگ جامعه عرب را در بر می‌گرفت، به طوری که در عصر جاهلیت امتیاز بزرگ عرب مهارت آنان در شعر و خطابه بود؛ به طوری که به مرحله شکوفایی رسیده بود. سرایندگان بزرگ عرب در بازارهای موسمی نظیر عکاظ، ذی‌المجاز و... (آلوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۰-۲۶۴) اشعار برگزیده و عالی‌ترین آثار ادبی خود را عرضه کرده‌اند. از آن‌جا که سرودهای برتر، مایه فخر و بزرگی شاعر و قبیله‌اش به شمار می‌آمد؛ برخی از زنان با استعداد نیز، در این وادی قدم گذارده و به سرودن شعر می‌پرداختند. این روند در برخی از دوره‌ها پس از اسلام هم ادامه داشت تا جایی که برخی زنان تربیت شده دوره علوی نیز از این فرصت استفاده کرده، اعتقادات و اندیشه‌های خود را در قالب سروده بیان می‌کردند که می‌توان به زنان توانمندی همچون زرقاء، بکاره هلالیه و... اشاره کرد.

زرقاء

زرقاء نمونه‌ای از زنان شجاع و با شهامت در عرصه فرهنگ بود که با اشعار حماسی، حضور اجتماعی خود را در تاریخ به یادگار گذاشت. سروده‌های او حکایتگر آشنایی زرقاء با ادبیات زمانه است: «ای مردان حرب و سواران طعن و ضرب و شیران...، بر این جنگ سخت صبر کنید و ثابت قدم باشید؛ این نه جنگی است که در آن افتاده‌اید، بل بلایی است که بدان گرفتار شده‌اید... ای مهاجر و انصار، صبر صبر، از جان مترسید و از مرگ نهراسید. این جهان پایدار نماند و بر کس استوار نگردد...» (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۶۳-۶۶).

سوده همدانی

از دیگر زنان حاضر در صحنه علمی - فرهنگی، سوده همدانی است که از زنان شاعر عرب و دارای فصاحت و بیان بود. زنی که با شعرهایش به هدایتگری در ارتباط با رهبری جامعه چنین سرود: «... و علی و حسین و قوم او را یاری ده و بر هند و پسرش برای خوار کردن آنان بتاز، این امام که برادر محمد ﷺ پیامبر خداست، پرچم هدایت و منار ایمان است». او در پاسخ به سؤال معاویه مبنی بر این که چه چیزی تو را به این کار برانگیخت، قاطعانه گفت: «... دوستی علی ع و پیروی حق مرا به سرودن اشعار واداشت» و زمانی که مورد تهدید معاویه قرار گرفت، ساعتی سر بر زمین گذاشت و با خدا مناجات کرد، سپس سر برداشت و چنین سرود: «درود خداوند بر روحی که قبر او را در بر گرفت و عدل هم با او مدفون شد...» معاویه به او گفت: این فرد کیست؟ و سوده چنین پاسخ داد: «... به خدا امیرمؤمنان علی بن ابی طالب بود...». (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۷۰-۶۲؛ ابن طیفور، بی تا، ص ۳۰؛ ابن طلحه، بی تا، ص ۱۸۱)

بکاره هلالیه

بکاره هلالیه به شجاعت، فصاحت، شعر و خطابه مشهور بود. او با شعرهای حماسی خود در جنگ صفین، حضور تأثیرگذار خود را در دو عرصه سیاسی و فرهنگی در تاریخ به نمایش گذارد؛ زنی که با سرودهای خود، مردان جنگی را تشویق می‌کرد. زمانی که به دربار معاویه آمده بود، عمروعاص اشعار او را در ارتباط با حاکمیت غیرقانونی معاویه یاد آور شد: «... آیا پسر هند را مالک خلافت می‌دانی، هرگز چنین نیست... پس بدبختانه بازگرد؛ زیرا همای سعادت بر سر علی ع

نشسته است...». سعید از دیگر مزدوران اموی که در جلسه حضور داشت، گفت: «آری، همان زن است که در شعر خود می‌گفت: آرزو داشتم بمیرم و سخنگو و خطیبی از بنی امیه در بالای منبر نبینم...». بکاره با کمال شجاعت گفت: «ای امیرالمؤمنین! سگ‌های دربارت پارس می‌کنند... به خدا سوگند من گوینده این سخنانم و هرگز تکذیب نمی‌کنم. تو نیز هر چه خواهی بکن که دیگر زندگانی پس از امیرالمؤمنین علی علیه السلام صفایی ندارد» (ضبی ۱۴۰۳، ص ۴۰ - ۴۳؛ ابن طیفور، بی تا، ص ۳۵ و ۳۶؛ همدانی، ۱۴۱۹، ص ۸۶۷). داستان ملاقات این زنان با معاویه و دفاع آنان از امام علی علیه السلام با سروده‌های آتشین به گونه‌ای است که معاویه به دانش، آگاهی در امور، جرئت و وفاداریشان نسبت به امامشان اقرار می‌کند: «... هر آینه علی بن ابی طالب شما را آگاه به دین تربیت به گونه‌ای شما را در فهم مسائل دینی و اجتماعی توانمند کرده که به هیچ وجه ستم و بی‌عدالتی را تحمل نمی‌کنید» (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۶۲-۷۰). از سخن معاویه می‌توان به این نکته پی برد که حضور زنان در این عرصه‌ها با چنین درک و شعور سیاسی و فرهنگی بالا، در سایه تربیت امام علی علیه السلام بوده و امام هیچ ممنوعیتی بر این حضورها ایجاد نمی‌کرده است. از جمله زنانی که در عرصه فرهنگی در دوران حکومت امام علی علیه السلام با سروده‌های خود پیام‌رسان خون شهدا بودند و یاد آنان را با اشعار خود زنده نگه داشتند، ضبیعه دختر خزیمه و امینه زنی از انصار بود. امینه زنی در سوگ مالک چنین گفت: «از امروز که مالک، آن پشتوانه دلیر کشته شد، دیگر طعم خواب و آسودگی را نچشم...» (منقری، ۱۳۷۰، ص ۵۰۱) ضبیعه دختر خزیمه بن ثابت بر سوگ پدر چنین سرود: «ای دیده بر خزیمه که به روز جنگ فرات به دست احزاب مخالف کشته شد، اشک ببار. ذو‌شهادتین را ستمگرانه کشتند...». (منقری، ۱۳۷۰، ص ۵۰۲)

از جمله موارد حضور زنان در عرصه فرهنگی، روایات آنان در ارتباط با جایگاه و منزلت امام یا روایتی که از خود امام شنیدند، می‌توان مشاهده کرد، از جمله معاذیه عدویه دختر عبدالله (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۵۲) یکی از زنان راوی حدیث (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۹۷ و ص ۹۹؛ بسوی، ۱۴۰۱، ص ۷۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۳۷۹؛ صالحی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۳۵). ام موسی نیز از دیگر زنانی است که در ارتباط با فضایل امام علیه السلام روایاتی را نقل می‌کند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۴۵۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۹ و ۳۵۹). ام موسی اهل کوفه و خدمتکار امام بود و سخنان ام‌کلثوم با امام در شب شهادت ایشان را از زبان دختر امام نقل کرده است. (مفید، ۱۳۴۶، ص ۱۳)

نتیجه

مطالعه کتب صدر اسلام، در ارتباط با بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوران حکومت امام علی علیه السلام بیانگر آن است که زن مسلمان در عصر نبوی در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی حضور داشته و این حضور نیز مورد تأیید رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. در عصر علوی نیز حضرت علی علیه السلام توانست با فاصله‌ای که با خلافت خلفای سه‌گانه و دور شدن از سیره نبوی در ارتباط با زنان و حضور آنان در عرصه‌های مختلف به وجود آمده بود، زنان را تا مرحله هدایت سیاسی، تحلیل حوادث، تبیین اهداف دشمن و... پیش ببرد. حضور زنان به اندازه‌ای جدی بود که معاویه بعد از به قدرت رسیدن، آنان را به شام فرا خواند و به تهدید و سرزنش آنان پرداخت. در پایان باید به این نکته اشاره داشت که حضور اجتماعی نه بدان معنا که زنان باید در همه عرصه‌ها حضور داشته باشند؛ بلکه این حضور باید جهت‌دهی شود؛ آن گونه که با خلقت و آفرینش او همسو باشد و افزون بر مدیریت خانه و تربیت و پرورش فرزندان، کارهای فرهنگی، اصلاح جامعه نیز در حوزه کاری آنان قرار گیرد.

فهرست منابع

أ. كتب

۱. آگ برن و نیم کوف، **زمینه جامعه شناسی**، اقتباس: ا.ج. آریان پور، چاپ دهم، شهرک سهامی کتاب های جیبی، تهران، فرانکلین، ۱۹۴۰.
۲. آلوسی، محمود، **بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب**، تصحیح: محمد بهجة الاثری، دارالکتب الحدیثه، چاپ سوم، بی تا.
۳. ابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، **شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید**، دار احیاء الکتب الدرسیة، بی تا.
۴. _____، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربی، قاهره، ۱۹۶۱ م.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، **الکامل**، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیل، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۷۱.
۶. _____، **اسد الغابة فی معرفة الصحابة**، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن اعثم کوفی، **الفتوح**، ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق: غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۲.
۸. ابن الدمشقی، شمس الدین محمد بن احمد، **جواهر المطالب فی مناقب الامام علی علیه السلام**، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۶ ق.
۹. ابن المبارک، عبدالله، **مسند ابن المبارک**، تحقیق: مصطفی عثمان محمد، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. ابن حیان، محمد، **صحيح ابن حیان**، تحقیق: شعيب الارنؤوط، مؤسسة الرسالة، بی جا، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. ابن صباغ، علی بن محمد، **الفصول المهمة فی معرفة الائمة**، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد، **الاستيعاب فی معرفة الاصحاب**، تحقیق: علی محمد البجاوی، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. ابن عقده کوفی، **فضائل امیر المؤمنین علیه السلام**، تحقیق و تجمیع عبدالرزق محمد حسین فیض الدین، بی جا، بی تا.
۱۴. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، **الامامة والسياسة المعروف بتاريخ الخلفاء**، تحقیق: علی شیری، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **البدایة والنهاية**، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. ابن کرامه، **شرف الدین، تنبه الغافلین عن فضائل الطالبین**، تحقیق: تحسین آل سبب، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. ابن هشام، محمد بن عبدالملک، **السيرة النبوية**، تحقیق: مصطفی السقاء، افست مکتبه الصدر، تهران، بی تا.
۱۸. ابن ابی الدنيا، **مکارم الاخلاق**، تحقیق: مجیدی السید ابراهیم، مکتبه القرآن للطبع والنشر والتوزیع، القاهرة، بی تا.
۱۹. ابن ابی العاصم، **کتاب الاوائل**، تحقیق: محمد بن ناصر العجمی، دار الخلفاء للکتاب الاسلامی، الکویت، بی تا.
۲۰. ابن العماد، شهاب الدین، **شذورات الذهب فی اخبار من ذهب**، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **الاصابة فی تمیز الصحابه**، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

٢٢. ابن سعد، محمد بن منيع، **الطبقات الكبرى**، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١٠ق.
٢٣. ابن طيفور، ابى الفضل بن ابى طاهر، **بلاغات النساء**، مكتبه بصيرتى، قم، بى تا.
٢٤. ابن عاصم، عمرو بن عاصم، **الاوائل**، تحقيق: محمد ناصر الدين الالبانى، المكتب الاسلامى، بيروت، ١٤١٣ق.
٢٥. ابن عساکر، على بن هبه الله، **تاريخ دمشق**، تحقيق: على شيرى، دارالفكر، ١٤١٥ق.
٢٦. _____، _____، محقق: عمرو بن غرامه العمروى، دارالفكر للطباعة والنشر، بيروت، بى تا.
٢٧. _____، _____، ترجمه الامام الحسين، تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١٤ق.
٢٨. ابن هشام، ابومحمد عبدالملك، **السيرة النبوية**، تحقيق: مصطفى السقا و ابراهيم الانبارى و عبدالحفيظ شبلى، دارالمعرفة، بيروت، بى تا.
٢٩. ابى مخنف، لوط بن يحيى، **مقتل الحسين**، تحقيق: ميرزا حسن الغفارى، مكتبة العلمية، قم، ١٣٩٨.
٣٠. اربلى، على بن عيسى، **كشف الغمة فى معرفة الائمة**، دار الاضواء، بيروت، ١٤٠٥ق.
٣١. اصفهانى، على بن الحسين، **مقاتل الطالبين**، تحقيق: كاظم المظفر، مؤسسه دارالكتاب للطباعة و النشر، قم، ١٣٨٥.
٣٢. امين، محسن، **ايعان الشيعة**، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، بى تا.
٣٣. بخارى، محمد بن اسماعيل، **التاريخ الكبير**، المكتبة الاسلامية، تركيا، بى تا.
٣٤. _____، **صحيح البخارى**، دارالفكر، بيروت، ١٤٠١ق.
٣٥. بروس كوئن، **مباني جامعه شناسى**، ترجمه و اقتباس توسلى. رضا فاضل، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاه ها «سمت»، تهران، ١٣٧٢.
٣٦. بسوى، يعقوب بن سفيان، **المعرفة والتاريخ**، تحقيق: اكرم ضياء العمري، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠١ق.
٣٧. بلاذرى، احمد بن يحيى، **فتوح البلدان**، مكتبة النهضة المصرية، قاهره، ١٩٥٦م.
٣٨. _____، **كتاب الجمل من انساب الاشراف**، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلى، دارالفكر، بيروت، ١٤١٧ق.
٣٩. بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين، **دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة**، تحقيق: عبدالمعطى قلعجى، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٥ق.
٤٠. ثقفى كوفى، ابراهيم بن محمد، **الفارات**، ترجمه: عزيزالله عطارى، انتشارات عطارد، بى جا، ١٣٧٣.
٤١. _____، _____، تحقيق: جلال الدين حسيني ارموى، انجمن آثار ملي، تهران، ١٣٥٣.
٤٢. جوهرى، احمد بن عبدالغدير، **السقيفة و فدك**، تحقيق: محمد هادى الامينى، شركة المكتبى، بيروت، ١٤١٣ق.
٤٣. حسنى، سيد الطاووس، **الطرائف**، خيام، قم، ١٣٧١ش.
٤٤. حميدى، عبدالله بن الزبير، **مسند الحميدى**، تحقيق: جبيب الرحمن الاعظمى، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٩ق.
٤٥. حميرى، على بن محمد، **جزء الحميرى**، تحقيق: ابوظاهر زبير بن احمد عليزنى، دارالطحاوى، الرياض، ١٤١٣ق.
٤٦. خوارزمى، الموفق بن احمد، **المناقب**، تحقيق: الشيخ مالك المحمودى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، ١٤١٤ق.

۴۷. دینوری، احمد بن داود، **اخبار الطوال**، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، نشرنی، تهران، ۱۳۷۱.
۴۸. ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین، **تذکرۃ الحفاظ**، الناشر مکتبۃ الحرم المکی، بی تا.
۴۹. زکریا، احمد بن فارس، **معجم مقایس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتبۃ الاعلام الاسلامی، بی جا، ۱۴۰۴ق.
۵۰. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور**، ناشر: دارالمعرفة، بی تا.
۵۱. شافعی، محمد بن طلحه، **مطالب السوول فی مناقب آل الرسول ﷺ**، تحقیق: ماجد ابن احمد العطیه، بی جا، بی تا.
۵۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف، **سبل الهدی و الرشاد فی سیرۃ خیر العباد**، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵۳. صدوق، محمد بن علی، **الامالی**، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۷ق.
۵۴. _____، **التوحید**، تحقیق: السیدهاشم الحسینی الطهرانی، جماعة المدرسین، قم، ۱۳۸۷ق.
۵۵. _____، **کمال الدین و تمام النعمه**، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسس النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۰۵ق.
۵۶. صدوق، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعة المدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
۵۷. صلیبی، ژانست، **فرهنگ توصیفی روانشناسی اجتماعی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
۵۸. صنعانی، عبدالرزاق، **المصنف**، بی جا، بی تا.
۵۹. ضبی، عباس بن بکار، **اخبار الوافدات من النساء علی معاویه بن ابی سفیان**، تحقیق: سکینه الشهبائی، دارالنشر مؤسسہ الرسالہ، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۶۰. طباطبائی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم، بی تا.
۶۱. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، تحقیق: محمد باقر خراسان، دارالنعمان، بی جا، بی تا.
۶۲. طبری، محمد ابن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۶۳. _____، **المنتخب من ذیل المذیل**، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.
۶۴. _____، **دلایل الامامہ**، بعثت، قم، ۱۴۱۳ق.
۶۵. طبری، محمد بن جریر، **التاریخ الطبری**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث، بیروت، بی تا.
۶۶. طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، دارالثقافة للطباعة والنشر، قم، ۱۴۱۴ق.
۶۷. طیرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، داراحیاء التراث العربی، قاهره، بی تا.
۶۸. عبدالعزیز سالم، **تاریخ عرب قبل از اسلام**، ترجمه: باقر صدری نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.
۶۹. عقیلی، محمد بن عمرو، **ضعفاء العقیلی**، تحقیق: عبدالمعطی امین قلجی، دارالکتب الاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۷۰. فراهیدی، خلیل، **کتاب العین**، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، موسسه دارالهجرة، بی‌جا، ۱۴۰۹ق.
۷۱. مبرد، محمدبن یزید، **الکامل فی اللغة و الادب**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ سوم، دارالفکرالعربی، القاهرة، ۱۴۱۷ق.
۷۲. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، موسسه وفاء، بیروت، بی‌تا.
۷۳. محاملی، حسین بن اسماعیل، **امالی المحاملی**، تحقیق: ابراهیم القیسی، دارابن القیم، الاردن، ۱۴۱۲ق.
۷۴. محمد الحسون و ام علی مشکور، **اعلام النساء المؤمنات**، اسوه، قم، ۱۴۱۱ق.
۷۵. مسعودی، علی بن الحسین، **مروج الذهب و معادن الجوهر**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۴.
۷۶. مفید، محمدبن نعمان، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمی اسلامیه، ۱۳۴۶.
۷۷. _____، **الامالی**، تحقیق: حسین استاد ولی علی اکبر غفاری، قم جماعة المدرسین فی الحوزة، بی‌تا.
۷۸. _____، **الجمال**، قم، مکتبه الداوری، بی‌تا.
۷۹. _____، **الکافنه**، تحقیق: علی اکبر زمانی نژاد، دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸۰. مقدسی، مطهر بن طاهر، **البداء و التاريخ**، بورسعيد، مکتبه الثقافة الدینیة، بی‌تا.
۸۱. منقری، نصرین مزاحم، **پیکار صفین**، مترجم: پرویز اتابکی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۸۲. نسائی، احمد بن شعیب، **السنن الکبری**، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری و سیدکسروی حسن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۸۳. نسایی، احمد بن شعیب، **خصائص امیرالمومنین**، تحقیق: محمد هادی امینی، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، بی‌تا.
۸۴. نیشابوری، محمد بن حاکم، **المستدرک الحاکم**، تحقیق: یوسف مرعشی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۸۵. همدانی، احمد الرحمن، **الامام علی بن ابی طالب**، چاپ دوم، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۴۱۹ق.
۸۶. واقدی، محمد بن عمر، **مغازی**، تحقیق: مارسدس جونس، چاپ سوم، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۸۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، **التاریخ الیعقوبی**، دارصادر، بیروت، بی‌تا.
۸۸. _____، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۱.
- ب:
۸۹. آئینه‌وند، صادق، «زنان در نخستین سده‌های اسلامی»، **پژوهش زنان**، دوره‌ی سوم، شماره سوم، پاییز، ۱۳۸۳.